

## پیکار قهرمانانه کارگران و زحمتکشان در رویارویی با رژیم «ولایت فقیه» ادامه دارد

شرکت های طرف قرارداد پالایشگاه اصفهان است و اعتصاب کارگران و کارمندان آن در میان نفتگران اصفهان بازتاب وسیع یافت و مورد حمایت جدی قرار گرفت. در اواخر بهمن ماه، کارگران و کارمندان سپاهیل، با خواست مشخص جلوگیری از تغییر قانون کار به سود کارفرمایان و نیز دریافت بومق دستمزدها، با تعطیلی خط تولید، در محوطه کارخانه تحصن کردند. این حرکت یکپارچه بود و مسئولان رژیم را وادار به عقب نشینی ساخت. کارگران اعلام کردند که در صورت عدم تحقق خواسته هایشان، این بار در مرکز شهر اصفهان راه پیمایی خواهند کرد. همچنین کارگران شرکت دی-ام-تی اصفهان، در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت به موقع دستمزدهایشان اعتصاب متحد و موفقی سازمان دادند. در پالایشگاه آبادان جوعاعتراضی شدیدی بر ضد رژیم

جنبش اعتراضی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان مبین ماهی ماه های اخیر، اوج باز هم بیشتری یافت. گزارش های مختلفی از اعتصاب ها و اعتراض های وسیع در مراکز صنعتی-تولیدی و خدماتی سراسر کشور در رسانه های همگانی درج گردیده که همگی آنها نشان از بارزی از رویارویی و تقابل روبه افزایش کارگران و زحمتکشان با رژیم ارتجاعی «ولایت فقیه» است. در شهر اصفهان به عنوان یکی از مراکز مهم صنعتی ایران، بسیاری از مراکز تولیدی و صنعتی به دلیل بحران اقتصادی در رکود بسر می برند و در نتیجه از پرداخت بومق دستمزدهای کارگران و کارمندان خود عاجز مانده اند. همین امر منجر به اعتراض های دامنه دار کارگران شده است. در اواسط بهمن ماه ۱۳۷۷، کارگران شرکت خدماتی پاسارگاد، دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. خواست اصلی اعتصاب پرداخت حقوق معوقه، جلوگیری از واگذاری بهداشت و درمان کارگران به بخش خصوصی بود. شرکت پاسارگاد از جمله

ادامه در صفحه ۸

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۵۲، دوره هشتم  
سال پانزدهم، ۱۰ فروردین ۱۳۷۸

## یورش تجاوز کارانه نیروهای نظامی ناتو به یوگسلاوی، شرارت جدیدی در تشنج آفرینی و اعمال سیاست برتری طلبانه امپریالیسم

یورش دهها هواپیمای بمب افکن ب-۵۲ و پرتاب ده ها موشک کروز به خاک یوگسلاوی توسط نیروهای پیمان تجاوز گر ناتو، نشانگر آغاز نخستین تجاوز نظامی ناتو به یک کشور مستقل اروپایی، بیش از پنجاه سال پس از پایان جنگ جهانی دوم است. آغاز تجاوز نظامی مشترک ناتو به یوگسلاوی، بدون اطلاع و موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد و در میان مخالفت وسیع و جهانی نیروهای مردمی و مترقی، نشانگر تمایل آشکار امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به تحمیل خواست های سلطه گرانه خود به کشورهای مستقل جهان از طریق اعمال زور و توسل به اسلحه است. این اعمال زور و تجاوز آشکار به حقوق ملل مستقل، بر خلاف تمامی قرار دادهای بین المللی و منشور سازمان ملل متحد صورت می گیرد و موبد این نظر است که برای امپریالیسم جهانی، پیمان تجاوز گر ناتو، ابزار نیرومند نظامی ثی است برای سرکوب حقوق خلق های جهان و هر آنکس که به خود جرئت و اجازة بدهد تا در مقابل تمایلات برتری طلبانه امپریالیسم ایستادگی کند.

ادامه در صفحه ۲

## سند مصوب دومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بخش دوم گزارش هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم وسیع کمیته مرکزی

در صفحات ۶۰، ۴، ۳ و ۷

## بحثی پیرامون «ستمگری»، حقوق و آزادی های فردی و «منافع اسلام»

محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه و از سران نیروهای مدافع ارتجاع، واپس گرایی و حکومت داری از نوع طالبان در افغانستان، در خطبه خود، در نماز جمعه، ششم فرودین ماه، در سخنان تهدید آمیزی بر ضد نیروهای مخالف و دولت خاتمی، از جمله درباره حد و حدود قانون، و «ستمگری» از دیدگاه قانون اساسی، گفت: «هر انسانی در حوزه زندگی خود ممکن است از مرز و حدود خود خارج شود و حق و حیثیت دیگران را پایمال کند و رعایت مصالح نظام، حقوق دیگران، خانواده های شهدا و رزمندگان را نکند و چه ستمی بالاتر از اینکه انسان به حقوق عمومی ستم کند.» و سپس در توضیح بیشتر ستم به «حقوق عمومی» افزود: «چه ستمی بالاتر از اینکه امام و مردم زحمت کشیدند تا انقلاب حاکم شد، حالا کسی با قلم خودش یک نویسنده مشهور و معروف ضد اسلام را دوباره تجلیل کند و مطرح نماید... ما به محضر رئیس جمهوری محترم می گویم که آقا شما رئیس جمهور هستید و رئیس جمهور وظیفه اولش اجرای قانون اساسی است... قانون اساسی می گوید مطبوعات آزادند تا جایی که اخلاق در مبنای اسلام و حقوق عمومی نباشد اگر اخلاق در مبنای اسلام و حقوق عمومی باشد، آنان آزاد نیستند و حق ندارند.»

یزدی در همین سخنان، ضمن اشاره به اینکه هیچ کس جز «اسلام شناسان» حق تعیین اینکه آیا امری اخلاقی در اسلام ایجاد می کند یا نه را ندارند، با حمله شدید الحنی به وزارت ارشاد، آن را فاقد صلاحیت برای تعیین «اخلاق در امور اسلام» دانست، و با سخنان ارباب انگیزی که چیزی جز تهدید مستقیم نویسندگان به «گردن زنی» نیست، گفت: «مراجع آیات و دانشمندان بزرگ هستند که در طول قرن های متمادی اسلام را حفظ کرده اند تا به اینجا رسید و امام اسلام شناس است که وقتی آن آقا آن کتاب را نوشت حکم قتلش را داد و حکم کرد که این نویسنده به دلیل اینکه به پیامبر توهین کرده قتلش بر هر مسلمانی واجب است.»

البته این سخنان، از زبان یزدی تازگی ندارد. وی قبلاً نیز تهدید های مشابهی کرده است، و این گونه سخنان تهدید آمیز معمولاً پیش درآمد یورش به نیروهای آزادی خواه و دگراندیش در جامعه است. بار قبلی هم که یزدی چنین سخنانی را مطرح کرد، گروهی با دشنه به جان آزادی خواهان، پروانه و داریوش فروهر افتادند، و محمد مختاری، پوینده و مجید شریف را حلق آویز کردند و لاید به گفته آقای یزدی «وظیفه شرعی» خود را در اجرای فتوی های صادر شده در قم و تهران انجام می دادند. تعریف حد و حدود آزادی و حقوق شهروندان از دید یزدی و شرکاء تغییر همان اعمالی است که حداقل در پانزده سال اخیر، حاصلش سرکوب خشن و خونین دگراندیشان، دستگیری هزاران مبارز راه آزادی، شکنجه های وحشیانه، اعدام هزاران انسان که حاضر نشدند شرف و شخصیت انسانی خود را در پای شکنجه گران خوار و ذلیل کنند، بوده است. بر اساس چنین دیدگاهی،

ادامه در صفحه ۲

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

## برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



## بدرود رفیق مبارز، هما

حزب را مجدداً آغاز کرد و یکی از کادرهای فعال و مجرب تشکیلات دموکراتیک زنان در ایران به شمار می‌آید. پس از یورش وحشیانه ارتجاع به حزب و نیروهای چپ، رفیق هما همچنان به پیکار خود در داخل کشور ادامه داد و نقش برجسته و بیاد ماندنی را در مبارزه و فعالیت خانواده‌های زندانیان سیاسی و خانواده شهدای جنبش چپ ایران به عهده گرفت. خانواده زندانیان سیاسی و خانواده شهدا خاطرات ارجمند و عزیزی را از کوشش‌های بی‌گیر این رفیق فروتن و مهربان توده‌ای به یاد دارند.

رفیق هما تا پایان زندگی به حزب و آرمان‌های حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان، وفادار ماند. یادش گرمی و راهش پرو رهرو باد.

رفیق هما هویر، از اعضای با سابقه حزب توده ایران و از زمره فعالان قدیمی تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، در سن هفتاد سالگی چشم از جهان فرو بست. رفیق هما در سال ۱۳۰۸ در بندر انزلی متولد شد و در سال‌های دهه بیست به صفوف حزب توده ایران پیوست. در سال‌های پیش از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲، وی به عنوان آموزگار در مناطق لنگرود و سیاهکل خدمت می‌کرد و نقش فعالی در آگاهی و سازمان‌دهی زنان، به ویژه زنان زحمتکش این مناطق ایفاء کرد.

رفیق هما در دوران پیش از انقلاب نیز همواره با وفاداری به آرمان‌های توده‌ای، در آگاهی‌دادن و روشنگری در بین زنان میهن ما کوشید. پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، و آغاز فعالیت علنی حزب در داخل کشور، رفیق هما فعالیت خستگی‌ناپذیر خود در صفوف

## ادامهٔ بحثی پیرامون «ستمگری» ...

آزادی‌های مجاز در «اسلام» آزادی اطاعت بی‌چون و چرا از «ولی فقیه» است، و کسی بیش از این حق و اجازه نمی‌دارد. نکته‌ئی که یزدی و شرکای مرتجع و عوام فریبش تلاش می‌کنند انکار و یا تحریف کنند این است که، مردم قهرمان و مبارز ما مدت‌هاست که مخالفت آشکار خود با چنین دیدگاه‌های ارتجاعی و واپس‌گرایانه‌ئی را پرورشی اعلام کرده‌اند. یزدی خوب می‌داند که در انتخابات دوم خرداد ماه ۷۶، با وجود آنکه خود او و بسیاری از همسالک‌هایش و اکثریت «آیات و دانشمندان اسلامی حوزه‌های علمیه» مردم را به رأی دادن به نامزد «ذوب در ولایت»، یعنی ناطق‌نوری دعوت کردند، و با آنکه خود «ولی فقیه» نیز با اشارات زیادی مردم را به «انتخاب اصلاح» فرا خواند، بیش از بیست میلیون ایرانی بر خلاف این میل و خواست رأی دادند، و در یک رفتارندوم تاریخی تنفر و انزجار خود را از ادامه رژیم استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه» اعلام کردند. و یزدی خوب می‌داند که در چند هفته گذشته، همین جمعیت بیش از بیست میلیون در انتخابات هفتم اسفندماه شوراهای شهر و روستا، با درایت و هوشیاری خاصی، به نامزدهای رد صلاحیت شده به خاطر «ضدیت با ولایت و اسلام» رأی دادند و شرکای آقای یزدی در بسیاری از شهرها با شکست خفت باری روبه‌رو شدند. سخنان تهدیدآمیز محمد یزدی نیز دقیقاً برای مرعوب ساختن همین جنبش است که هر روز با اقتدار و توانمندی بیشتری در مقابل استبداد حاکم قد بلند می‌کند و دیگر حاضر نیست به خواست‌ها و تمایلات مستشی واپس‌گرا و تاریک اندیش تن بدهد که تنها هدفشان حفظ اهرم‌های قدرت به هر قیمتی است.

سخنان یزدی، حکایت از تدارک دیگر بار نیروهای ارتجاعی برای یورش مجدد به جنبش آزادی‌خواهانه مردم میهن ماست. سال گذشته نیز درست پس از پایان دوران تعطیلات نوروزی، نیروهای ارتجاعی یورش گسترده‌ئی را بر ضد نیروهای دگراندیش آغاز کردند و در تداوم همین یورش‌ها بود که آن جنایات تفریر انگیز سازمان‌دهی شد و حتی برنامه کودتائی خونین برای سرکوب جنبش نیز طرح‌ریزی گردید. تحولات هفته‌های اخیر، خصوصاً پس از پیروزی جنبش مردمی در انتخابات شوراهای، و در پی آن دستگیری دکتر کدیور به سبب ابراز مخالفت با «ولایت فقیه»، و سپس کارزار، تدارک دیده شده یورش تبلیغاتی روزنامه‌های چماقداری همچون کیهان و رسالت بر ضد نویسندگان و خصوصاً بریایی مجدد کانون نویسندگان، باردیگر زنگ خطر جدی را به صدا درآورده است که باید با هوشیاری و درایت با نشانه‌های آن برخورد کرد. جنبش مردمی در دو سال گذشته نشان داده است که در صورت حفظ انسجام و اتحاد خود از چه توان بالایی برای برخورد با ترندهای مرتجعان حاکم برخوردار است. جنبش مردمی با هرگامی به جلو و با هر پیروزی که به دست می‌آورد، نیرومندتر می‌شود و هراس ارتجاع از آن است که «مبادا دیر شده باشد» و دیگر نتوان این سیل خروشان را مهار کرد. ما بار دیگر تأکید می‌کنیم که، بالا بردن سطح سازمان‌دهی، تدقیق شعارها و حفظ انسجام جنبش مهم‌ترین مسایل پیش روی همه نیروهای مترقی، از جمله رزمندگان توده‌ای است که باید به طور جدی به آن پرداخت. ارتجاع زیر فشار خرد مبارزه جنبش مردمی مجبور به عقب‌نشینی‌هایی شده است ولی مبارزه برای درهم‌کوبیدن استبداد حاکم، طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در ایران هنوز با مصایب و مشکلات بسیاری روبه‌رو است که باید با صبر و حوصله و اتخاذ سیاست‌های درست و اصولی و مقابله سازمان‌یافته و منسجم با ارتجاع بر آنها چیره شد.

## مشکلات «وحدت» نیروهای اسلامی

می‌کنند با چوب و چماق می‌توانند مردم را به خط کنند و همه را مانند پادگان‌های نظامی به صف کنند و با فرمان به چپ‌چپ و به راست‌راست به هر طرف که اراده کردند بگردانند و بچرخانند؟ چقدر باید نادان باشند کسانی که گمان می‌کنند روزگار ما روزگار گردن‌زدن و زبان‌بریدن است؟ وحدت و وفای ملی تابع اصولی است که تارعیات نشود، با فرمان محقق نخواهد شد.»

و البته به این مجموعه این نکته را نیز باید اضافه کرد که این همه آوازه‌ها از رژیم «ولایت فقیه» بود.

## ادامهٔ یورش جنایتکارانه ...

غرب، کشورهایی همچون آمریکا، انگلیس و آلمان نقش عمده‌ای در ایجاد آن ایفا کرده‌اند. در اینجا سخن از دفاع از جنگ و خونریزی در کوسوو، یا دفاع از صرب‌ها در مقابل اهالی آلبانی تبار کوسوو نیست، فاجعه کوسوو، بخشی از ادامه همان سیاست‌هایی است که یوگسلاوی را به عنوان یک کشور مستقل، پس از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی، از هم پاشید و آن را برای تأمین منافع امپریالیستی به کرواسی، بوسنی، و اکنون کوسوو تقسیم کرد.

تجاوز نظامی آشکار ناتو، در میان مخالفت شدید برخی از اعضای شورای امنیت و مخالفت اکثریت قریب به اتفاق اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در عین حال هشدار جدی است به همه خلق‌های جهان دربارهٔ ماهیت بسیار خطرناک و نقش پیمان تجاوزگر ناتو. ناتو امروز بازوی مسلح امپریالیسم جهانی برای سرکوب مبارزات حق‌طلبانه و استقلال‌جویانه مردم کشورهای جهان است. مبارزه وسیع جهانی با این تجاوز آشکار، وظیفه هر انسان و نیروهای مترقی در سراسر جهان است. حزب توده ایران یورش نظامی ناتو به خاک یوگسلاوی را شدیداً محکوم می‌کند و هم صدا با نیروهای مترقی و آزادی‌خواه جهان خواستار پایان فوری عملیات نظامی بر ضد یوگسلاوی و حل مسایل کوسوو از طریق مذاکره و احترام به حقوق طرفین درگیر است.

روزنامه «سلام»، چهارشنبه ۲۶ اسفندماه، در بخش پاسخ به خوانندگان خود، به مشکلات موجود بر سر راه «وحدت» نیروهای اسلامی اشاره‌ئی دارد که جالب و افشاگرانه است. توضیحات سلام، که بعضاً مطالبی است که سال‌هاست نیروهای آزادی‌خواه در ایران به آن اشاره کرده‌اند، نیازی به شرح اضافی ندارد. سلام در پاسخ این سؤال که: «مگر حضرت امام در صحبت‌هایشان همواره مسوولین را نصیحت نمی‌کردند که اگر بین شما اختلافی افتاد و دو دستگی ایجاد شود فاتحه اسلام خوانده شده است؟ حال دو دستگی چه عرض کنم ده دستگی هم بیشتر شده است.»، می‌نویسد: «و عجیب این است که می‌کشند و وقتی اعتراض می‌شود، می‌گویند حرف نزدیک که اختلاف می‌شود، حرف نزدیک که تضعیف می‌شود. با رفتارهای چماقدارانه به جان مردم و اجتماعات می‌ریزند و اقدام به ضرب و شتم و جرح می‌کنند وقتی ناله مردم بلند می‌شود می‌گویند اختلاف و تفرقه ایجاد نکنید. هر روز به بهانه‌ای بین اقشار جامعه ایجاد اختلاف می‌کنند و حتی آراء یک ملت را به شمال و جنوب تقسیم می‌کنند و بعد منادی وحدت می‌شوند.»

به هر بهانه نفرت انگیزی مردم و شخصیت‌ها را به ولایت‌پذیری و ولایت‌گریز تقسیم می‌کنند و باز هم منادی وحدت می‌شوند، آخر یک کشور ۶۰ میلیونی را چگونه می‌شود بر محور یک گروه متعجب عقب‌افتاده، قدرت طلب، مغرور، خودخواه، خود محور، از دماغ فیل افتاده و نافته جدا بافته، متحد کرد؟! در روزگاری که نوجوان ده - دوازده ساله و حتی کوچکتر مدعی است که باید در امور مربوط به او و حتی در تمامی امور خانواده با وی مشورت گردد و نظر او هم باید مراعات شود و اگر نشود عکس‌العمل نشان می‌دهد، آری در چنین روزگاری، چقدر باید یک گروه عقب‌افتاده باشند که گمان کنند یک ملت را می‌توانند بدون چون و چرا مطیع خود سازند؟ چقدر باید عقب‌افتاده باشند کسانی که گمان



سند مصوب دومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

## بخش دوم گزارش هیأت سیاسی کمیته مرکزی به پلنوم (وسیع) بررسی تحولات جهان پس از کنگره چهارم

یکی از کشورهای عمده صادر کننده در آسیا بود، نخواهد توانست با پشتوانه صادرات خود از بحران کنونی خارج شود. وضعیت کشورهای اندونزی، تایلند و فیلیپین نیز چندان متفاوت از وضعیت کره جنوبی نیست.

در اواخر تیرماه، بحران جهانی، اقتصاد روسیه را نیز در هم پیچید. قیمت سهام، در بازارهای بورس این کشور ۷۵ درصد سقوط کرد و بهره کوتاه مدت، که سال قبل ۲۱ درصد بود، در خرداد ماه، به ۱۵۰ درصد رسید. در تلاشی برای جلوگیری از سقوط مالی دولت روسیه، در ۲۶ مرداد ماه، با تقض اهداف اصلی برنامه گذار به سرمایه داری، که از طرف صندوق بین المللی پول برای این کشور تجویز شده بود، ارزش روبل ۳۰ درصد کاهش داده شد، و همچنین پرداخت بدهی های خارجی بخش خصوصی به مدت سه ماه به تأخیر انداخته شد. این اقدامات که کمتر از یک ماه پس از اعلام یک وام ۲۲/۶ میلیارد دلاری از سوی صندوق بین المللی پول برای «نجات» اقتصاد روسیه صورت گرفت، سرمایه داری جهان را شدیداً نگران کرد. نتایج بحران در روسیه، بدلیل ضعف نهادین سرمایه داری، فلج کننده بوده است. حتی «اصلاح طلبان» معروف روسیه نیز به شکست روند ساختمان اقتصاد بازار اقرار می کنند. یگور گایدار، نخست وزیر سابق، گفت: «ما فکرمی کردیم که برای ایجاد سرمایه داری، خصوصی سازی کافی خواهد بود.» او اقرار می کند: «ما خوش بین بودیم» اما این امر فقط «به کاتالیسم عجیبی منجر شد که در آن، کنترل سرمایه داران در دست افراد شریبری قرار گرفته است.»

### بحران و باز هم بحران

با ادامه بحران، و گسترش آن به کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، و شروع یک رکود دیگر، جهان سرمایه داری در آستانه بیکاری گسترش یافته، تهاجم به حقوق و شرایط کاری، رفاه عمومی، آموزش و پرورش، بهداشت، جنگ و قحطی است. این تصویر واقعیت موجود دنیای سرمایه داری است. مایکل هانسن، مدیرکل سازمان جهانی کار (آی.ال.ا)، در آذرماه، تصدیق کرد: «وضعیت اشتغال در جهان تیره است و تیره تر خواهد شد.» او از «میزان بالای بیکاری و اشتغال ناقص که منجر به محرومیت اجتماعی جوانان، سالمندان، کسانی که تخصص پایین تری دارند، معلولین و گروه های اقلیت قومی و به ویژه زنان» به عنوان یک واقعیت پایدار و سمج، سخن گفت.

سازمان جهانی کار (آی.ال.ا)، در گزارشی که آذر ماه ۱۳۷۷ منتشر ساخت، تصدیق کرد که ۱۰ میلیون تن از ارتش بیکاران جهان مستقیماً قربانیان بحران کشورهای آسیایی اند. این سازمان پیش بینی کرد که میزان بیکاری رسمی، که در سال ۱۹۹۶ فقط ۴ درصد بود، در سال جاری به بیش از ۱۲ درصد بالغ شده است.

آیا این تأییدی بر کلمات پر مغز مارکس در مانیفست نیست که پیش بینی کرد: «جامعه نوین بوروازی، با روابط بوروازی تولید و مبادله و با مناسبات بوروازی مالکیت آن، جامعه ثنی که گویی سحر آسپین وسایل نیرومند تولید و مبادله را بوجود آورده است، اکنون شبیه به جادوگری است که خود از عهده اداره و رام کردن آن قوای تحت الارضی که با آفسون خود احضار کرده است بر نمی آید... کافی است به بحران های تجارتی اشاره کنیم، که با تکرار ادواری خویش و به نحوی همواره تهدید آمیز تر، هستی تمامی جامعه بوروازی را در معرض فنا قرار می دهند. در مواقع بحران تجارتی، هر بار نه تنها بخش هنگفتی از کالاهای ساخته شده، بلکه حتی نیروهای مولده ثنی که بوجود آمده اند، نیز نابود می شوند.»

علت ریشه ای بحران کنونی اقتصاد جهان، همان مکانیزمی است که همیشه چرخه (سیکل) رونق و رکود سرمایه داری را باعث می شود و پدیده ثنی آشنا برای خوانندگان مانیفست کمونیستی است. نیویورک تایمز، اقرار می کند: «مسئله نگران کننده وجود دارد. آشوب مالی آسیا ممکن است مرحله ابتدایی یک بحران توسعه یافته جهانی باشد که عمدتاً محصول پدیده ثنی است موسوم به اضافه ظرفیت. گرایش بدون کنترل اقتصاد جهانی به تولید اتومبیل، اسباب بازی، کفش، هواپیما، فولاد، کاغذ، فیلم، البسه و وسایل الکتریکی، به میزان بیش از آنچه مردم قادر به خرید آنها به قیمت های متعارف خواهند بود» مسبب بحران است. جک ولج، مدیرکل کمپانی جنرال الکتریک، گفت: «در همه صنایع، اضافه ظرفیت جهانی وجود دارد. شرق آسیا منبع اصلی اضافه ظرفیت در سال های اخیر بوده است.» صدوینچاه سال قبل از این مانیفست کمونیستی از «بیماری همگانی اضافه تولید» سخن گفته بود.

رققا!

دوره ثنی که گزارش می شود مصادف است با صدوینچاهمین سالگرد انتشار «مانیفست حزب کمونیست»، اثر جاودانه مارکس و انگلس. «مانیفستی» که سرنوشت محتوم سرمایه داری و جامعه مبتنی بر طبقات را پیش بینی کرد و شروع دوران جدیدی در تاریخ بشریت را بشارت داد.

رخدادهای دنیای سرمایه داری، در پایان هزاره دوم میلادی، نشانه های جدی از صحت پیش بینی های داهیان مارکس و انگلس پیرامون بحران جامعه سرمایه داری و آینده آن بوده است. بحران اقتصادی آسیا در طول سال گذشته، قدم به قدم به یک بحران همه جانبه جهانی تبدیل شد و تمامی تضادها، نارسائی ها و عدم ثبات نظام سرمایه داری را به نمایش گذاشت. گسترش بحران در جهان سرمایه داری، همچون رویدادی زنجیره ثنی، یکی پس از دیگری اقتصاد کشورهای تایلند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، هنگ کنگ و حتی ژاپن را دچار آشفتگی کرد. بحرانی که در اردیبهشت ۷۶ به مثابه یک «بحران ارزی» در تایلند شروع شده بود در ادامه خود در مهر ماه اقتصاد ژاپن را با مشکلات جدی روبه رو ساخت. اقتصاد ژاپن، دومین قدرت اقتصادی امپریالیستی در جهان است که برخلاف تصور گروهی از نظریه پردازان سرمایه داری که معتقد بودند قادر است به سادگی اثرات بحران را از سر بگذراند، هنوز با مشکلات بزرگی دست به گریبان است. به دلیل ابعاد عظیم اقتصاد ژاپن، مطمئناً تبعات بحران آن بر اقتصاد جهانی بمراتب شدید خواهد بود. برخی صاحب نظران مطرح می کنند که، اقتصاد ژاپن در تمامی سالهای دهه ۱۹۹۰ در رکود بسر برده است. هرالد تریبیون بین المللی، فاش کرد که، حتی قبل از بحران اخیر، بانک های ژاپن بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار طلب غیر قابل وصول داشته اند که باز مانده از بحران مالی اواخر دهه ۱۹۸۰ است. بر اساس گزارش شرکت هنگ گنگی پرگراین «قرض های غیر قابل وصول بانک های آسیایی، به غیر از بانک های ژاپنی تا اواسط ۱۹۹۸ به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید.» اعمال سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به این معنا خواهد بود که بسیاری از این بانک ها اعلام ورشکستگی کنند. از آنجا که سرمایه ژاپنی بیش از هر کشور دیگری در این بانک ها سهام بوده است، شرکت های مالی عمده مالی ژاپن گزیری از نقد کردن اسناد قرضه آمریکایی خود نخواهند داشت، که این به نوبه خود فشار عظیمی به بازار مالی آمریکا وارد خواهد کرد. واشنگتن بیش از یک تریلیون دلار بدهی به ژاپن دارد.

یکی از مشخصات قابل تامل این بحران، عدم توانایی سیاستمداران سرمایه داری به تشخیص ابعاد آن بوده است. بیل کلینتون، رئیس جمهوری آمریکا، که در آذرماه سال گذشته در جریان اجلاس آپک اظهار داشته بود: «اقتصاد کره جنوبی اساساً قدرتمند است و فقط بایک مشکل لحظه ای روبه رو است» بعداً مجبور شد تصدیق کند که بحران اقتصادی کره عمیق و بی سابقه است. واقعیت این است که، تا اوایل سال ۱۹۹۸ حتی بسیاری از دست اندرکاران و تحلیل گران سرمایه داری از عمق این بحران جهانی و عوامل موثر در آن درک دقیقی داشتند.

### بحرانی جهانی

در ماه های انتهایی تابستان سال گذشته، درحالی که هیچ اثری از تخفیف بحران اقتصادی در آسیا به چشم نمی خورد، نشانه های جدی گسترش بحران به دیگر نقاط جهان از جمله روسیه، اروپای شرقی، برزیل و شیلی در آمریکای لاتین، ظاهر شد. یک اقتصاد دان برجسته گروه آسیا و اقیانوسیه بانک آلمان در توضیح ابعاد واقعی بحران اظهار داشت: «این بحران یک بحران آسیایی نیست. این یک بحران جهانی بازار است.» حال بینیم ابعاد گوناگون این بحران جهانی از آسیا تا آمریکای لاتین کدام است.

در آسیا، اقتصاد ژاپن که تصور می شد بتواند موتوری برای رشد و احیاء اقتصاد جهانی باشد خود دچار مشکلات جدی گردید. بر اساس آمار موجود اقتصاد ژاپن در سال ۱۹۹۸ بین ۴ تا ۵ درصد انقباض داشته است. در روز ۱۹ مرداد ماه، بازارهای سهام توکیو، سنگاپور، تایلند و کره جنوبی به میزان بی سابقه ثنی سقوط کردند. در پی این سقوط، بازارهای سهام بقیه کشورهای جهان که از شروع دور جدیدی از بحران ارزی آسیایی و اثرات فرسایشی آن بر روی سودآوری کمپانی های صنعتی و تولیدی وحشت زده بودند، با نوسانات منفی جدی روبه رو شدند. در تیرماه اعلام شد که صادرات کره جنوبی در طول ۱۲ ماه قبل از آن ۱۳/۷ درصد کاهش داشته است، و این با وجود کاهش ۲۸/۴ درصدی ارزش واحد پولی این کشور در طول یک سال گذشته، به منظور تقویت صادرات، بوده است. به عبارت روشن تر، کره جنوبی که



## ادامه گزارش هیأت سیاسی به پلنوم...

## تلاش سرمایه داران برای غلبه بر بحران

رقابت کشورهای سرمایه داری جهان، با وارد شدن روند وحدت اروپا به مراحل نهایی، تشدید گردید. این امر به ویژه با توجه به اثرات بحران آسیای جنوب شرقی، و سعی اروپا برای در سایه قرار دادن ژاپن در آسیا، و همچنین رقابت با ایالات متحده بر سر بازارهای اروپای شرقی و مرکزی، حائز اهمیت است. ایجاد پول واحد اروپایی برای اولین بار، پس از دوران تسلط روم باستان بر این قاره، که در روز اول ژانویه ۱۹۹۹ پس از ۴۰ سال کوشش سرمایه داری اروپا در چهار چوب بازار مشترک ممکن گردید، تحول مهمی در جهان و در معادلات قدرت بین المللی محسوب می شود. وحدت مالی، به سرمایه داری اروپا امکان عملکرد موثر را در بازاری که ۲۹۰ میلیون جمعیت دارد، داده و قابلیت مقابله اقتصادی - مالی اروپا با ایالات متحده و ژاپن را افزایش می دهد.

رقابت قطب های مختلف سرمایه داری برای تصاحب سهم عمده در بازارهای اروپای شرقی و دیگر نقاط جهان، خطر درگیری و جنگ در جهان را به طور بالقوه افزایش می دهد. ادامه بحران در منطقه بالکان، و خطر حمله نیروهای پیمان تجاوزگر ناتو به یوگسلاوی، از جمله این خطرات است که ریشه در رقابت اروپا و آمریکا برای دستیابی به بازارهای این منطقه دارد. در تازه ترین بحران در منطقه بالکان، کشورهای امپریالیستی عملاً با حمایت از تشکیلات شبه فاشیستی «ارتش آزادبخش کوسوو» در اوضاع داخلی یوگسلاوی مداخله می کنند. در درگیری های منطقه کوسوو، نیروهای «ارتش آزادبخش کوسوو» از سوی کشورهای عضو پیمان تجاوزگر ناتو حمایت و تغذیه مالی و تسلیحاتی می شوند. ایالات متحده با برقرار کردن تماس های رسمی با «ارتش آزادی بخش کوسوو» سعی در ایجاد شرایطی شبیه به بوسنیا هرزگوین، و فراهم آوردن محمول های لازم برای مداخله نظامی ناتو بر ضد دولت مرکزی یوگسلاوی کرده است. سیاست امپریالیسم در قبال یوگسلاوی، آینه تمام نمایی از ماهیت، و عواقب نظم نوین امپریالیستی برای خلق های جهان است.

## خاورمیانه در بحران:

اوضاع در همسایگی میهن ما به شدت حساس، و موازنه قدرت به طور محسوسی به نفع نیروهای وابسته به امپریالیسم تغییر یافته است. در طول سال گذشته، ماهی نبود که تمرینات نظامی مشترک نیروهای نظامی امپریالیستی و کشورهای منطقه خلیج فارس در جریان نباشد. برخی از این تمرینات، به لحاظ ترکیب نیروهای شرکت کننده و تسلیحات، و نوع خود بی نظیر بودند. این عملیات، بخشی از برنامه ثنی ست که فرماندهی مرکزی آمریکا برای ارتقاء قابلیت های عکس العمل سریع نیروهای نظامی خود در منطقه، و هماهنگی با شش کشور عضو «شورای همکاری خلیج [فارس]» تنظیم کرده است.

امپریالیسم به موازات دستیابی به هدف اصلی خود برای حضور مستقیم نظامی در منطقه، در سال های اخیر موفق شده است که محور قدرتمندی از کشورهای ترکیه، اسرائیل و پاکستان را تشکیل بدهد، که در تقابل با هر گونه تحول ترقی خواهانه ثنی در جهت حفظ منافع استراتژیک اربابان ماوراء بحاری آمادگی ایفای نقش خود را دارد. امپریالیسم جهانی امیدوار است که اردن و مصر در شکل نهایی این محور ایفای نقش کنند.

ترکیه به عنوان یک عضو پیمان تجاوزگر ناتو، در چارچوب نظم نوین جهانی، نقش جدیدی را برای فراهم کردن کنترل امپریالیسم بر منافع سرشار کشورهای منطقه و جمهوری های آسیایی سابق اتحاد شوروی بازی می کند. سیاستگذاران این کشور، بر پایه امتیاز ویژه آن به عنوان شرقی ترین عضو پیمان تجاوزگران، سهم ویژه ای از منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی، از طریق تعیین مسیر خط لوله صدور نفت و گاز از خاک ترکیه خواستارند. متأسفانه سیاست خارجی ارتجاعی جمهوری اسلامی به ترکیه امکانات فراوانی داده است که در این راستا موفق باشد.

نظامیان، که در ۲۰ سال گذشته همیشه حضور فعالی در تعیین سیاست های ترکیه داشته اند، در سال گذشته نیز تسلط همه جانبه خود بر تحولات کشور را به نمایش گذاردند. نظامیان ترکیه با تکیه بر این ادعا که «ترکیه در منطقه ثنی واقع شده است که منافع ملی عمده ای با هم برخورد دارند، و جانی ست که مشکلات استراتژیک شدیدی وجود دارند» سیاست دفاعی ترکیه را بر پایه دفاع از جلو (مانند تجاوزات متعدد به شمال عراق و تهدید نظامی سوریه)، شرکت فعال در پیمان های دسته جمعی از قبیل ناتو، حفظ و نگهداری یک نیروی نظامی وسیع، تنظیم کرده اند و در مجموع استراتژی خطرناکی را در منطقه دنبال می کنند.

این در حالی است که پیوند های ارگانیک میان ترکیه و اسرائیل، که از بهمن ۷۵ رسماً شروع شده بود، در سال گذشته، در جریان مسافرت های منظم و متقابل رهبران سیاسی دو کشور و امضاء موافقتنامه های جدید در سه عرصه نظامی، اقتصادی و فرهنگی، گسترش یافته است. در جریان بازدید مسعود بیلماز، نخست وزیر قبلی ترکیه از اسرائیل، مقامات اسرائیلی مطرح کردند که ارتباطات دائمی

گسترش یابنده دو کشور متوجه تشکیل یک محور دفاعی منطقه ای است. نشریه کریستین ساینس مانیاتور، در مقاله ای در ۲۰ تیر ماه، از قول منابع ترکیه نوشت: آنکارا در شرق این کشور پایگاه هوایی ثنی را اختصاصاً برای ارتش اسرائیل می سازد، و هوایما های جنگنده ترکیه برای شرکت در تمرینات سری به اسرائیل می روند. ترکیه و اسرائیل در سال گذشته دو دور مذاکرات استراتژیک برای بررسی توافقات در مورد تمرینات نظامی و همکاری در «صنایع نظامی» و همچنین بحث پیرامون وضعیت فعلی خاورمیانه را برگزار کردند. یک ژنرال عالی رتبه ترکیه گفته است که، در آخرین اجلاس، یک هیأت اردنی نیز شرکت داشت. به گفته او شرکت اردن به معنای دادن چراغ سبز به دیگر کشورهای اسلامی عرب برای قبول و پیوستن به پیمان همکاری های نظامی ترکیه و اسرائیل است.

همچنین در تیر ماه اجلاس سالانه کمیته مشورتی نظامی ترکیه - پاکستان در اسلام آباد برگزار شد. رهبران نظامی دو کشور به تفاهم متقابل در مورد تقویت همکاری در تولیدات نظامی و اجرای تمرینات نظامی «به منظور دستیابی به نتایج مشخص» نایل شدند. بر طبق بیانیه رسمی ثنی که در خاتمه اجلاس منتشر شد، گفته می شود «هر دو کشور خواست و پتانسیل لازم برای همکاری در عرصه های مختلف دفاعی را دارند.»

این تحولات در شرایطی صورت می پذیرند که خطر نظامی گری در منطقه از هر زمان دیگری شدیدتر شده است. به دنبال پیروزی حزب هندوهای شورونست «بی. جی. پی» در انتخابات هندوستان در اسفندماه ۷۶، ابتدا هند و سپس پاکستان دست به انجام آزمایش های هسته ای زدند. آزمایش های هسته ای هندوستان و اظهارات نخست وزیر این کشور دال بر ادامه آزمایش موشک های قاره پیما با برد متوسط «آگنی» به نظامیان پاکستان که از دیر گاهی مخفیانه و با کمک امپریالیسم مشغول توسعه تکنولوژی هسته ای با اهداف نظامی بوده اند، عملاً بهانه لازم را داد که آزمایش های هسته ای خود را توجیه کند. مسابقه تسلیحاتی میان این دو کشور، در کنار خطرات عظیمی که برای صلح و ثبات منطقه خواهد داشت، منابع عظیمی را هدر می دهد که می تواند در مسیر رفع نیاز دهها میلیون تن از زحمتکشان دو کشور که در گرفتار فقر، محرومیت، بیماری و بیکاری اند، به کار گرفته شود. موضع گیری بی خردانه و خطرناک رهبران جمهوری اسلامی در جشن گرفتن اتمی شدن پاکستان، با توجیه اینکه «بمب اتمی اسلامی» گویا در خدمت مبارزه با دشمنان اسلام خواهد بود، ابعاد سیاست ضد ملی و صلح ستیزانه رژیم را نشان می دهد. کمال خرازی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، در ۱۰ خردادماه در اظهاراتی در اسلام آباد گفت: «مسلمانان اکنون مطمئن تر هستند که قابلیت هسته ای پاکستان یک نقش دافعه ای را در مقابل قابلیت های هسته ای اسرائیل بازی خواهد کرد.» این همان پاکستانی است که در سر سپردگی آن به ایالات متحده، به ویژه در سیاست خارجی و امور نظامی هیچ شبهه ثنی وجود ندارد، و در سال های اخیر با حمایت موثر از ادامه جنایات طالبان در افغانستان زنجیره نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم را به دور میهنمان مستحکم تر کرده است.

در مرزهای شرقی میهن ما جنگ و خونریزی در افغانستان ادامه یافت. طالبان توانستند بر پایه حمایت مستقیم ارتش و سازمان های جاسوسی پاکستان، پشتیبانی ایالات متحده و منابع مالی عربستان سعودی، تسلط خود را بر مناطق شمال غرب این کشور، که تا قبل از این تحت کنترل طیف نیروهای مخالف بود، بگسترانند. اما در پاییز، نیروهای اپوزیسیون با تجدید سازماندهی توانستند پیشروی نیروهای طالبان به سوی شمال را متوقف کرده و برخی مواضع خود را پس بگیرند. کشورهای منطقه، و به ویژه ایران، هندوستان، روسیه و تاجیکستان، به دقت با نگرانی تحولات اوضاع را دنبال می کنند. این حقیقتی است که کنترل کامل افغانستان توسط طالبان، امکان مانور امپریالیسم در این منطقه را گسترده خواهد کرد. حمایت ایالات متحده از طالبان، در سالیان اخیر، با هدف ایجاد شرایط جهت کشیدن خط لوله صادراتی نفت و گاز ترکمنستان از طریق افغانستان است که به طور جدی تدارک دیده می شود. سواى منافع نظامی و استراتژیک، کنترل افغانستان عاملی کلیدی برای تحکیم جای پای اقتصادی ایالات متحده در منطقه است. در صورت تحکیم و تثبیت موضع پاکستان در مرزهای جنوبی کشورهای آسیانه مرکزی (از طریق طالبان) و با در نظر گرفتن اینکه ترکیه نیز از سمت غرب موقعیت مشابهی را خواهد داشت، تحولات جمهوری های آسیایی شوروی سابق به شیوه بسیار نگران کننده ثنی تحت کنترل امپریالیسم قرار خواهد گرفت.

در ارتباط با اوضاع عراق، مطبوعات حزب ما مرتباً مقالات توضیحی و افشاگرانه منتشر کرده اند. در سال گذشته هفته ثنی نبوده است که خبر تحولات این کشور، و به ویژه تحریکات متقابل امپریالیسم و رژیم حاکم بر عراق، مطرح نباشد. در بهمن ماه گذشته در لحظاتی که حمله نظامی آمریکا و انگلیس به این کشور قریب الوقوع بود، مداخله کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل، و حصول توافق برای بازرسی کاخ های ریاست جمهوری و برخی ساختمان های دیگر توسط هیأت ویژه بازرسی سازمان ملل، بحران را کاهش داد. در مهر و آبان بدنبال گزارشات تحریک آمیز بانلر، رئیس کمیسیون ویژه بازرسی، دوباره مسئله حمله نظامی در صدر دستور کار امپریالیسم قرار گرفت. این بار نیز در آخرین لحظات و درست ساعتی قبل از حمله جنگنده های



## ادامه گزارش هیات سیاسی به پلنوم ...

آمریکایی و انگلیسی به عراق، رژیم صدام از مواضع خود عقب نشینی کرد. همان گونه که در نامه مردم گزارش شده است، در آذر ماه جاری حمله نظامی راهزنان و غیر قانونی امپریالیسم آمریکا و انگلیس، در حالی که با مخالفت اکثر کشورهای جهان از جمله سه عضو دائمی و دارای حق وتوی شورای امنیت سازمان ملل روبه رو بود، بخش عمده‌ای از تاسیسات عراق را و آنچه که در جنگ سال ۱۹۹۱ سالم باقی مانده بود، نابود کرد. رژیم صدام حسین عملاً از وضعیت موجود به نفع خود در تقویت کنترل بر عراق، از طریق نمایش موضعی ضد امپریالیستی، ضد آمریکایی بهره می برد، و این در حالی است که قلع و قمع وحشیانه نیروهای دموکراتیک و ترقی خواه کشور توسط رژیم عراق ادامه دارد. حزب توده ایران، با انتشار مرتب گزارش تحولات در عراق، افشای نقشه های امپریالیستی و ابراز همبستگی با مردم و نیروهای مترقی عراق، و به ویژه حزب کمونیست عراق، اعتقاد خود را به حق تعیین سرنوشت آینده عراق توسط مردم این کشور اعلام کرده است و هرگونه دخالت خارجی در این رابطه محکوم می داند، و در جهت بسیج افکار عمومی بین المللی تمام تلاش خود را به کار برده است.

در ارتباط با بحران عراق، نباید از سهم اسرائیل به عنوان یک عامل عمده در ایجاد تنش بر ضد این کشور چشم پوشید. یکی از عرصه های مهم استراتژی سیاسی- نظامی اسرائیل، ایجاد شرایطی برای ادامه حضور نیروهای نظامی امپریالیسم در منطقه خاورمیانه است. اسرائیل که در هماهنگی با امپریالیسم عمل می کند، منافع استراتژیک در تضعیف ایران و عراق دارد.

بخشی از ترفندهای اسرائیل بر ضد عراق، از طریق بکارگیری زراد خانه پر قدرت جاسوسی و سیستم امنیتی- اطلاعاتی- ضد اطلاعاتی این کشور انجام می گیرد. در سال گذشته فاش شد که بر اساس منابع سیا، ریچارد باتلر، مسئول کمیسیون ویژه بازرسی، چندین بار پیرامون قابلیت های تسلیحاتی عراق ادعاهایی کرده است که پایه واقعی نداشته و متأثر از ماشین عظیم ضد اطلاعات اسرائیل بوده است. حزب توده ایران در سال گذشته، بر اساس این تحلیل که تحولات در وضعیت عراق مستقیماً بر اوضاع میهن ما و نیز خلیج فارس تاثیر خواهد داشت، در مخالفت با حملات نظامی امپریالیسم به این کشور و نیز حمایت از مبارزه نیروهای ترقی خواه و به ویژه حزب کمونیست عراق بر ضد رژیم ترور صدام حسین فعالیت کرد. انتشار یک بیانیه مشترک با ده حزب کمونیست منطقه، در این ارتباط که به ابتکار حزب ما صورت گرفت، نمونه‌ای از این فعالیت ها بود. حزب توده ایران، همزمان با تمامی نیروهای مترقی جهان، الغاء فوری تحریم اقتصادی عراق و همبستگی با مردم عراق در مبارزه بر ضد دیکتاتوری حاکم را خواستار شده است. تحولات خاورمیانه در سال گذشته، بار دیگر موبد نگرانی و انتقاد های حزب توده ایران از تقایص جدی و ماهوی معاهده صلح امضاء شده در اسلو بود. در چهارمین سال پس از امضاء این قرارداد، مردم فلسطین شاهد ادامه ماجراجویی های دولت صهیونیستی و عدم کارایی و سردرگمی دولت خودمختار فلسطینی در دستیابی به اهداف اساسی خلق فلسطین، و تفرقه بی سابقه در میان نیروهای ترقی خواه فلسطینی است.

بحران «روند صلح» در سال گذشته نیز ادامه یافت، و در حالی که بر طبق معاهده اسلو، در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۸ اسرائیل نباید عملاً حضوری در کرانه غربی و نوار غزه داشته باشد، و با وجود اینکه یاسر عرفات تصریح کرده است که در این روز او ایجاد دولت مستقل فلسطین را اعلام خواهد کرد، هیچ نشانه‌ای در دست نیست که دولت اسرائیل علاقه‌ای به قبول حقوق ملی مردم فلسطین و پذیرش صلح پایدار و همبستگی در منطقه داشته باشد. امضاء موافقتنامه جدیدی تحت عنوان «رودخانه وای» در مهرماه، قبل از اینکه قدمی در مسیر حل مسایل مبتلا به مردم فلسطین و خلق های خاورمیانه باشد، عملاً با التزام دولت خودمختار فلسطینی به قبول ایجاد پایگاه های رسمی برای سیا در زیر پوشش «مبارزه با تروریسم»، دولت خودمختار را در تقابل با مردم فلسطین قرارداد. اینک خطر گسترش برخوردهای خشونت آمیز در میان نیروهای فلسطینی، امکان ادامه وحدت آنان را به طور اساسی زیر علامت ستوال برده است. موافقتنامه رودخانه وای که توسط کلیتون، عرفات و نتانیاو، در روز اول آبان ماه امضاء شد در ادامه موافقتنامه های قبلی به جای تسریع و تضمین پایان دادن به اشغال سرزمین های فلسطینی توسط اسرائیل از طریق قبول اجرای قطعنامه های سازمان ملل، به بر جسته کردن مسئله امنیت اسرائیل توجه داشت. موافقتنامه جدید، اساساً پیوستگی جغرافیایی قلمرو فلسطینی و بنابراین امکان اعمال حاکمیتی یکپارچه بر آن را تضمین نمی کند، و راه گریزهای متعددی در اختیار طرف اسرائیلی قرار می دهد تا از اجرای تعهدات خود سرباز زند.

بخشی از اختلاف مواضع نیروهای ترقی خواه فلسطینی و دولت خودمختار به رهبری یاسر عرفات، محصول چنین روندی است. این حقیقتی است که به موازات ترفندهای نیروهای ارتجاعی، برخورد غیر اصولی و ضد دموکراتیک یاسر عرفات و رهبران دولت خودمختار با ساختارهای تشکیل دهنده سازمان آزادیبخش فلسطین و نیروهای سیاسی در جنبش خلق فلسطین، از عوامل ریشه ای چنین اختلافاتی است.

نیروهای ترقی خواه فلسطینی از اینکه هیأت اجراییه سازمان آزادیبخش فلسطین و یا شورای ملی فلسطین هیچ گونه نقش هدایت کننده ای در قبال سیاست های دولت خودمختار ندارند، انتقاد جدی دارند. در چنین شرایطی، و در صورت ادامه روند کنونی، خطر چند پارچه شدن جنبش فلسطین و مخدوش شدن صفوف نیروهای خلق و ضد خلق بسیار جدی است.

نیروهای ترقی خواه فلسطینی، در اساس بر این مسأله با فشاری می کنند که هرگونه موافقتنامه‌ای با اسرائیل باید متضمن اجرا و احترام به قطعنامه های ۳۳۸ و ۲۴۲ شورای امنیت، قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت در مورد بیت المقدس و قطعنامه ۴۶۵ شورای امنیت در مورد برچیدن مناطق مسکونی یهودی نشین در سرزمین های اشغالی و برگرداندن ساکنان آن به اسرائیل باشد.

در سال گذشته، تماس های نزدیک و تبادل نظر حزب توده ایران با نیروهای ترقی خواه فلسطینی و اسرائیلی، از جمله حزب مردم فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه موکراتیک برای آزادی فلسطین، سازمان آزادیبخش فلسطین و حزب کمونیست اسرائیل، ادامه یافت. در مهر ماه به دعوت حزب مردم فلسطین، کمیته مرکزی حزب توده ایران پیامی به سویمین کنگره این حزب، که برای اولین بار در شرایط علنی و در خاک فلسطین برگزار می شد، فرستاد که با استقبال رفقای شرکت کننده در کنگره واقع شد و انعکاس بیرونی یافت.

### پاسخ زحمتکشان

مبارزه همه جانبه زحمتکشان جهان در سال گذشته، با اشکال متفاوتی که پایه در شرایط زندگی، کار و مبارزه آنان داشت، ادامه یافت. در ایالات متحده ۱۰/۰ عضو اتحادیه متحد کارگران اتومبیل سازی در کارخانه سازنده قطعات برای جنرال موتورز، در ایالت میشیگان دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب اعتراض کارگران به تصمیم جنرال موتورز برای سفارش قطعات به کارخانه های واقع در خارج از ایالات متحده و عملاً تدارک بیکاری آتی آنان بود. اعتصاب که شش هفته ادامه یافت، بیش از ۲ میلیارد دلار هزینه داشت.

در استرالیا مقاومت یکپارچه و متحد کارگران بنادر، توسطه کارفرمایان - دولت و اتحادیه کشاورزان استرالیا بر ضد اتحادیه کارگران بنادر استرالیا (ام.یو.ای) را به شکست کشاند. اقدام اتحادیه کارگران بنادر (ام.یو.ای) در سازمان دهی یک کارزار وسیع برای جلب حمایت افکار عمومی و همچنین همبستگی کارگران بنادر در سراسر جهان، از جمله در کشور ایالات متحده و ژاپن که با استرالیا روابط گسترده دارند، از عامل های مهم در پیروزی کارگران بندر بود.

در کشورهای اروپایی، مبارزه زحمتکشان برای اشتغال و تامین اجتماعی و بر ضد سیاست سرمایه داری بزرگ اروپا در محدود کردن سطح هزینه های اجتماعی و تقلیل حقوق بازنشستگی و بیمه بیکاری و دیگر دستاوردهای سیستم رفاه اجتماعی، ادامه یافت. سمت عمده مبارزه زحمتکشان، مخالفت با سیاست های اقتصادی‌ای است که از طرف دولت های اروپایی برای بر آوردن شرایط عضویت در واحد پولی مشترک اروپایی اتخاذ شده است. اثرات اجتماعی حرکت در جهت ایجاد یک «اروپای متحد» کاپیتالیستی، ایجاد یک نرخ بیکاری بیش از ده درصدی، حمله به دستاوردهای مردمی در قالب سیستم رفاه عمومی و در نتیجه ایجاد یک توده بیکار و ناراضی است. در سال گذشته به موازات ادامه مبارزات اعتصابی کارگران در دانمارک، فرانسه، یونان، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا، شاهد ادامه روند مخالفت وسیع مردم با احزاب محافظه کار در صحنه سیاستگذاری اروپای غربی بودیم. در مهم ترین این تحولات، در جریان انتخابات پارلمانی آلمان، پس از ۱۶ سال دولت سوسیال مسیحی به رهبری هلموت کهل، چهره پر قدرت سرمایه داری اروپا و از پایه گذاران روند وحدت مالی سیاسی اروپا، با رای قاطع مردم این کشور سقوط کرد. معضل بیکاری یکی از اصلی ترین موضوع های مطرح در انتخابات بود. تعداد بیکاران آلمان در سال گذشته از مرز ۴/۵ میلیون گذشته و به بالاترین سطح خود در دوران پس از جنگ دوم جهانی رسید. حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان (پ.د.اس) در بیانیه‌ای در روز پس از انتخابات اعلام کرد: «در ۲۷ سپتامبر امسال یک اکثریت سیاسی جدید خود را به نمایش گذارد و فرصت برای یک جهش جدید اجتماعی، دموکراتیک و اکولوژیک در سیاست های دولت بن مطرح شده است... اکثریت جدید توسط یک جبهه پلورالیست که در آن سوسیال دموکرات ها و سوسیالیست ها تعداد آرای خود را بالا بردند... مشخص گردید... احزاب ما و راه راست در این انتخابات تاریخی نتوانستند هیچ نماینده‌ای به پارلمان بفرستند و این ما را خوشبین می کند.» موفقیت حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان (پ.د.اس) به افزایش آرا خود در شرق و غرب کشور، و کسب ۵/۱ درصد آراء و انتخاب ۳۵ نماینده در پارلمان، از نتایج مهم این انتخابات بود که می تواند در شکل گیری تحولات آینده تاثیر فراوان بگذارد. با وجود آراء زحمتکشان و برخی اظهارات امیدوارکننده از سوی عناصری از دولت جدید مبنی بر تغییرات به نفع طبقه کارگر، و به ویژه در مورد معضل بیکاری نشانه های نگران کننده ای وجود دارد که صدراعظم جدید آلمان، گرهارد شرودر، با کبی برداری از سیاست های راست روانه‌ای که تونی بلیر، نخست وزیر انگلیس، معرف آن بوده است، بار دیگر در جهت اثبات عقیم بودن تاریخی سوسیال دموکراسی در ایجاد تغییرات عمیق اجتماعی قدم بر دارد.



## ادامه گزارش هیأت سیاسی به پلنوم ...

در آسیا، مبارزه برضد مداخله و تسلط صندوق بین المللی پول، اشکال ریشه ای تری گرفت. مبارزه زحمتکشان اندونزی با اثرات کمرشکن بحران اقتصادی، و از جمله افزایش قیمت خدمات عمومی، ابعاد توده ای پیدا کرد و توانست که در اولین مرحله دیکتاتوری سوهارتو را که ۳۲ سال زمام امور را به دست داشت، ساقط کند. استعفا سوهارتوئی جنایتکارگرچه در چهارچوب جانشینی یک جایگزین دموکراتیک صورت نگرفت اما نمایشگر تضعیف موقعیت نیروهای حاکم است. جنبش قدرتمند دانشجویی کشور در ارتباط تنگاتنگ با اتحادیه های کارگری، که رهبری اصلی آن در زندان بود، و بخشی از اپوزیسیون رژیم در قالب حامیان خانم سوکارنو، دختر رئیس جمهوری پیشین، مبارزه خود را برای یک جایگزین مردمی ادامه داده اند. در جریان این مبارزه، دولت مجبور به آزاد کردن برخی از زندانیان سیاسی واز جمله مختار پاک روان، رهبر اتحادیه های کارگری مستقل اندونزی شد. این امر خود نشان دهنده ابعاد سیاسی تحولات اندونزی است. اگرچه دولت سوهارتو، قاتل جنایتکار ۵۰۰/۰۰۰ کمونیست در جریان قتل عام وحشیانه جنبش ترقی خواهانه، با آزادی رهبران باقی مانده حزب کمونیست از زندان مخالفت کرد.

در مالزی، مخالفت زحمتکشان با راه حل های سرمایه داری، چنان ابعاد وسیعی داشت که حتی نخست وزیر این کشور نیز برای اجتناب از سرنوشتی مشابه سوهارتو، مخالفت با سیاست های تجویز شده از سوی صندوق بین المللی پول برخواست. ماهاتیر محمد، در اجلاس سران کشورهای عضو آپک، سوداگران ارزی را «احق ها»، «جنایتکاران» و جانوران وحشی خواند، و تجارت ارز غیر قابل کنترل را «غیر ضروری، غیر مولد و غیر اخلاقی» اعلام کرد. در جریان اجلاس آپک، ماهاتیر حتی به «بازار آزاد» حمله و آن را محکوم کرد و گفت: «این نظر که بازار خطا نمی کند، که بازار مقدس، بانی خیر و نجات دهنده است و برگ ورود به سعادت، نظری افراطی است.» او گفت که امروز «حامیان بازار آزاد میلیون ها نفر را به بدبختی نشانداند.»

در کره جنوبی طبقه کارگر در مبارزه ئی در زیر پرچم کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره، با برنامه تعدیل ساختاری دولت مخالفت کرده است. اقتصاد کره جنوبی، متعاقب بحران همه جانبه اقتصادی و به عنوان شرط وام ۷۰ میلیارد دلاری صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، عملاً زیر کنترل این نهادها قرار گرفته است. پرزیدنت کیم داجونگ، رئیس جمهوری جدید کشور، که در اوایل اسفند ماه در مراسم تحلیف خود از این سخن گفته بود که می خواهد رئیس جمهوری آنائی باشد که اشک به چهره دارند، و آنهایی را که در یاس و ناامیدی هستند تشویق کند. او عملاً زحمتکشان را فرا خواند که بار دیگر بار اصلی بحران را به دوش بکشند. سیاست های کیم داجونگ، که در گذشته توسط دولت نظامی، به دلیل مخالفت با سیاست های دولت وقت تحت پیگرد و محکوم به اعدام شده بود و به مدت ۳۰ سال در معرض آدم ربایی، مهاجرت و سوقصد قرار داشت، عملاً چیزی جز پیروی از نسخه های صندوق بین المللی پول، و ادامه همان سیاست های گذشته نیست.

## برای حفظ دستاوردها

در کشورهای سوسیالیستی، از جمله کوبا، چین و ویتنام، زحمتکشان تحت رهبری احزاب کمونیست، بر کوشش خود برای تداوم ساختمان سوسیالیسم در شرایط دشوار جهان امروز، ادامه دادند و دستاوردهای مهمی داشتند. مبارزه خلق کوبا برای ادامه سوسیالیسم در این کشور با وجود تهدیدات و توطئه های امپریالیسم آمریکا ادامه یافت. این مبارزه، با رهبری قهرمانانه حزب کمونیست کوبا توانسته است پیروزی های درخشانی در خنثی کردن اثرات تحریم اقتصادی ۳۵ ساله این کشور داشته باشد. مسافرت پاپ اعظم، رهبر کلیسای کاتولیک، را باید کوششی در این جهت ارزیابی کرد. مسافرت فیدل کاسترو به کشورهای کارائیب، شرکت او در اجلاس جنبش غیر متعهدانه در آفریقای جنوبی و شرکت در کنفرانس کشورهای اسپانیایی زبان در پرتغال، همه حلقه های مبارزه هدفمندی بودند که رهبری انقلابی کوبا برای بسیج توده های زحمتکش جهان در مقابله با تحریم راهزنانه امپریالیسم، درگیر آن است. با وجود فشار های کمرشکن اقتصادی تحمیلی، مردم کوبا نه تنها قهرمانانه مقاومت کرده اند، بلکه نشانه هائی جدی از اینکه ساماندهی اقتصاد کوبا به نتایج مثبتی رسیده در دست است. فیدل کاسترو در سخنرانی خود در اسفند ماه، در قبول مقام ریاست جمهوری برای یک دوره جدید پنج ساله، گفت که در کوبا «گذاری از سوسیالیسم به کاپیتالیسم وجود نخواهد داشت.» در شهریور ماه مجمع عمومی سازمان ملل برای چهارمین سال پیاپی با رای کاملاً قاطع و فقط ۲ رای مخالف ایالات متحده و اسرائیل، محکومیت سیاست تحریم کوبا را اعلام کرد. در این رای گیری، فاصله گیری مشخص کشورهای اتحادیه اروپا از ایالات متحده کاملاً مشهود بود.

در چند کشور دیگر جهان، مبارزه زحمتکشان و نیروهای ترقی خواه برای درپیش گرفتن روندی مردمی جهت بازسازی اقتصادی - اجتماعی با وجود توطئه های ارتجاع و امپریالیسم برای اعاده وضعیت گذشته، ادامه یافت. در آفریقای جنوبی، مبارزه بغرنجی که در سال ۱۹۹۴ با طرد آبارتاید در جهت تغییرات

دموکراتیک شروع شده بود، در جریان است. حزب کمونیست آفریقای جنوبی، به عنوان بخش معتبر و قدرتمندی از ائتلاف سه گانه حاکم (کنگره ملی آفریقا، کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی و حزب کمونیست) نقش عمده ای در این مبارزه به عهده دارد. حزب کمونیست آفریقای جنوبی با درپیش گرفتن یک سیاست متعادل، در حین حفاظت از اتحاد سه جانبه، مبارزه پیچیده ای را با سیاست هایی که ناقض منافع زحمتکشان است، تدارک دیده است. وظیفه حزب در این مبارزه، ضمن تحکیم و تثبیت موقعیت خود، توضیح بغرنجی های مبارزه برای حقوق زحمتکشان در شرایطی است که بیسواد، فقر، محرومیت و عملکرد نیروهای ارتجاعی بومی و بین المللی مشکلات عمده ای بر سر راه نیروهای ترقی خواه قرار می دهند. گسترش نظرات حزب و فرمولبندی های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی آن در جنبش کارگری، از نقاط قدرت جنبش کارگری آفریقای جنوبی است. کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی، در جریان کنگره سال گذشته خود، با تصویب قطعنامه ئی امکانات خود را برای بسیج کارگران در مبارزات سیاسی آینده در اختیار حزب کمونیست آفریقای جنوبی قرار داد. حزب کمونیست با داشتن ۳ وزیر و چندین معاون وزیر، ۸۰ عضو پارلمان و اعتبار فراوان در میان توده های زحمتکش، از موقعیت ممتازی برای رهبری جنبش برخوردار است. در جریان کنگره دهم حزب کمونیست آفریقای جنوبی، برنامه حزب برای مبارزات آتی آن، و به ویژه تقویت و انسجام اتحاد سه گانه حاکم، تدوین و تصویب گردید. هیأت نمایندگی حزب توده ایران در این کنگره حضور یافت و ضمن تبادل نظر با رهبران حزب کمونیست و دولت آفریقای جنوبی حمایت مردم و زحمتکشان کشورمان را از تعمیق جنبش دموکراتیک این کشور اعلام کرد. این کنگره قطعنامه ئی در همبستگی با مبارزات حزب توده ایران و برضد سیاست سرکوب رژیم «ولایت فقیه» تصویب کرد.

## جنبش غیر متعهدانه

برگزاری دوازدهمین اجلاس جنبش کشورهای غیر متعهد، در شهریور ماه امسال در آفریقای جنوبی، گامی مهم در اعاده موقعیت این جنبش بود، که در گذشته ئی نه چندان دور بخش با اهمیتی از جبهه صلح و ترقی و مخالفت با امپریالیسم را تشکیل می داد. در انتهای قرن بیستم و در حالی که بشریت به استقبال هزاره سوم می رود، استثمار فزاینده کشورهای جهان سوم، توسعه ابزار های امپریالیستی برای استثمار و فاصله افزایش یابنده کشورهای سرمایه داری و اکثریت جهان سوم، عملاً شرایط عینی مناسبی برای از سرگیری نقش فعال تری از سوی جنبش غیر متعهدانه ایجاد کرده است. در اوضاع کنونی جهان، این حقیقت که جنبش غیر متعهد ها با ۱۱۳ عضو از نیروی ویژه ای برخوردار است، اهمیت استراتژیک دارد. این کاملاً محتمل است که با نزدیک شدن کشورهای ترقی خواه به همدیگر هسته نیرومندی در مبارزه برضد نظم نوین جهانی شکل بگیرد. در این ارتباط ضروری است که جنبش غیر متعهد ها از نوسان و تردید در موضع گیری در قبال برچیدن پایگاه های نظامی خارجی، مداخله نظامی در امور کشورها، خلع سلاح اتمی، سیاستگذاری های نهاد های امپریالیستی، نظیر صندوق بین المللی پول، اجتناب ورزد.

در اجلاس بسیاری از کشورها، سیاست اقتصادی مخربی که زیر نام جهانی شدن و نئولیبرالیسم در تقابل با منافع زحمتکشان عمل می کند را، محکوم کردند و خواستار اصلاح ریشه ای سازمان ملل، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و دیگر ساختارهای بین المللی شدند. سخنرانان اجلاس، شرایط تحمیلی صندوق بین المللی پول را که دولت های مستقل را به باز کردن بازارهای خود بر روی واردات، کاهش تعداد کارگران، خصوصی سازی، عدم حمایت از صنایع داخلی و محدودیت سیستم رفاه اجتماعی مجبور می کند، محکوم کردند. آنها معتقد بودند که ایالات متحده به دلیل سهم ویژه خود در سیستم تصمیم گیری این نهاد امپریالیستی، عملاً از طریق آن در جهت تسلط استثمار گونه بر اقتصادهای دیگر کشورها عمل می کند. فیدل کاسترو، رهبر کوبای انقلابی و از پایه گذاران جنبش غیر متعهدانه، در سخنرانی خود اعلام کرد: «صندوق بین المللی پول باید به نقش خودبه عنوان یک نیروی بی ثبات کننده سیاسی بین المللی و یک زاندارم مالی منافع ایالات متحده پایان دهد... به غارت پایان ناپذیری که از طریق بدهی های خارجی ممکن شده است پایان بدهید... به شرایط نابرابر تجارت... پایان دهید. به سیاست تلقین مردم ما به دنبال گیری شیوه زندگی غیر قابل دفاع جوامع مصرفی پایان دهید.»

## احزاب کمونیست در صحنه مبارزه

فعالیت ثمر بخش احزاب کارگری و نیروهای کمونیستی در سال گذشته، نمونه های موفق را به ارمان آورد. کنفرانس وسیع علمی - پژوهشی که به دعوت و ابتکار حزب کمونیست فرانسه برگزار گردید، فرصتی را برای هزاران تن از دانشمندان - سیاستمداران و مبارزان جنبش سوسیالیستی فراهم آورد تا موضوعیت «مانیفست»، این اثر ارزشمند مارکس و انگلس را در چهره تحولات عظیم ۱۵۰ سال اخیر مورد مطالعه قرار دهند. هیأت نمایندگی حزب توده ایران در این کنفرانس شرکت کرد. کنفرانس احزاب کمونیستی - کارگری جهان، که به ابتکار و دعوت حزب کمونیست



## ادامه گزارش هیأت سیاسی به پلنوم ...

یونان در خرداد ماه در آتن برگزار شد، صحنه بحث هیأت های نمایندگی ۵۷ حزب کمونیست کارگری از ۵۰ کشور جهان و از جمله چین، کوبا، ویتنام و جمهوری دموکراتیک کره در مورد «نقش احزاب کمونیست در دنیای امروز» بود. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در این کنفرانس شرکت فعال داشت. مضمون اصلی بحث های کنفرانس پیرامون انترناسیونالیسم پرولتری و اشکال همبستگی و همکاری نزدیک ترین احزاب کمونیست - کارگری دور می زد. کنفرانس که به مناسبت هشتادمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست یونان و همچنین صد و پنجاهمین سالگرد انتشار «مانیفست حزب کمونیست» برگزار می شد به بررسی نظر گاه های احزاب مختلف نسبت به مبارزه برای پیشرفت و سوسیالیسم در شرایط کنونی جهان پرداخت. شرکت کنندگان در کنفرانس، نظریه اصلی مارکس و انگلس را در باره بی آینده بودن دورنمای تاریخی سرمایه داری و نیاز به اتحاد و همبستگی کارگران جهان مورد تأیید قرار دادند. دبیر کل حزب کمونیست یونان، رفیق پاپاریگا، در توضیح مشخصات وضعیت امروزین اعلام کرد که: «مبارزه برای خواسته های فوری، بیشتر و بیشتر به مبارزه برای سوسیالیسم پیوند خورده است... در خارج از صفوف مبارزات ضد امپریالیستی و ضد انحصاری با دورنمای سوسیالیستی، هیچ راه حل جایگزینی را نمی توان پیدا کرد... امروز ضروری است که ما هماهنگی و همکاری بین احزاب کمونیست را ارتقا دهیم و برای تدوین یک استراتژی مشترک در سراسر جهان بکوشیم». در اجلاس یونان و تمامی نشست های عمده احزاب کمونیست کارگری در سال گذشته، بحث درباره خطرات «توافق چند جانبه برای سرمایه گذاری» و لزوم سازماندهی مبارزه ثی کارا بر ضد آن مکان برجسته یافت. حزب توده ایران جزو ۵۷ حزب کمونیست کارگری و ترقی خواه بود که متن بیانیه ثی را که به ابتکار احزاب کمونیست کانادا، ایالات متحده و استرالیا تدوین و منتشر شده بود، امضا کرد. بی شک مبارزه تبلیغاتی کمونیست ها که به موازات دامنه دار شدن اختلافات بین کشورهای امپریالیستی، در طلب موقعیت ممتاز تر، در جریان بود، و آگاهی بخش های وسیعی از افکار عمومی جهان از ماهیت استعمار گرانه این توافقنامه امپریالیستی، در به تعویق انداختن امضاء نهایی آن بی تأثیر نبوده است.

این گزارش را نمی توان بدون اشاره به اخبار موفقیت های درخشان و با اهمیت حزب کمونیست ژاپن به پایان برد. در سال گذشته موفقیت حزب کمونیست ژاپن در انتخابات پارلمانی این کشور، موقعیت این حزب را در یکی از اصلی ترین کشورهای سرمایه داری مستحکم کرد. حزب کمونیست ژاپن در عین اعتقاد به اینکه «آینده این کشور سوسیالیستی و کمونیستی خواهد بود» با تکیه به تناسب نیروها و شرایط ویژه این کشور، وظیفه عاجل خود را «تغییر دموکراتیک در چهار جوب سرمایه داری» تعریف می کند. در این ارتباط حزب کمونیست ژاپن کارزار های موفق را بر ضد کنترل اقتصاد کشور از سوی انحصارات و شرکت های عظیم، بر ضد موافقتنامه امنیتی ایالات متحده و ژاپن، که این کشور را به پایگاهی برای ایالات متحده در جنوب شرقی آسیا و منطقه اقیانوس آرام تبدیل کرده، و نیز دموکراتیزه کردن حیات جامعه و مبارزه با مظاهر مافیایی جامعه ژاپن سازمان داده است. ارگان حزب کمونیست ژاپن با بیش از ۲ میلیون نسخه تیراژ از روزنامه های معتبر ژاپن محسوب می گردد. در حال حاضر حزب کمونیست ژاپن ۲۶ نماینده در مجلس نمایندگان، ۲۳ نماینده در مجلس شورا و مجموعاً ۴۹ نماینده در پارلمان ژاپن دارد. حزب کمونیست ژاپن با ۲۶۰۰۰ واحد حزبی، ۳۷۰/۰ عضو و ۴۰۰۰ نماینده در شوراها و مجمع های محلی در سراسر کشور، و کنترل ۶۸ شورای شهری - محلی، از احزاب بر قدرت جهان محسوب می گردد. در سال گذشته، حزب کمونیست ژاپن که هفتاد و ششمین سالگرد تاسیس خود را در مرداد ماه جشن گرفت، گامی مهم در جهت تأمین وحدت جنبش کمونیستی جهان برداشت. پس از دو سال تماس های رسمی و غیر رسمی، در ۲۰ خرداد ماه، در ملاقاتی میان هیأت های رهبری احزاب کمونیست چین و ژاپن در پکن - پس از ۳۲ سال قطع رابطه - روابط رسمی دو حزب از سر گرفته شد. اهمیت این تجدید رابطه - در کنار مظاهر سمبولیک آن - همچنین در این است که حزب کمونیست چین پیش قدم آن بود. روابط دو حزب در سال ۱۹۶۶ در جریان اختلافاتی که از سوی حزب کمونیست ژاپن در قالب «مداخلات حزب کمونیست چین و رهبری مائو تسه تونگ در امور داخلی حزب کمونیست ژاپن» جمع بندی گردید، قطع شد. با توجه به موقعیت ژاپن در اقتصاد جهان، و همسایگی آن با چین و نیز نفوذ روزافزون حزب کمونیست ژاپن در صحنه مبارزات مردم ژاپن بر ضد سرمایه داری انحصاری، این تجدید رابطه از اهمیت خاصی برخوردار است. در مبارزه برای صلح و ترقی در اتحاد هرچه تنگاتنگ تر احزاب ترقی خواه و دموکراتیک گریزی نیست.

## ادامه پیکار قهرمانانه کارگران و ...

بر اثر مسایل مختلف باز خریدی شده اند، و این در حالی است که در طول سال تعداد جذب کارگران آنهم با قرارداد های ۲ ماهه تا ۶ ماهه از تعداد ۷۰۰ نفر تجاوز نمی کند.» وی گفت: «اگر امروز کارگران پرسیان و نازپوش بعثت عدم دریافت حقوق اقدام به بستن راهها می نمایند، تامسولی به فریاد آنان برسد، اگر چه اصل این کار مورد تأیید هیچکس نمی باشد ولی باید چاره ای اندیشید. زیرا اگر برای حل مشکلات و حفظ اشتغال کارگران این استان فکری نشود در آینده شاهد توسعه ناامنی و بسیاری مسایل دیگر در استان خواهیم بود.»

بی توجهی به مشکلات کارگران، به دلیل سیاست های ضد کارگری دولت به نفع سرمایه داران و «کارفرمایان عزیز»، باعث خشم کارگران گردیده و اعتراضات متفاوتی را برانگیخته است. کارواگر، سه شنبه ۵ بهمن، گزارش داد: «جمعی از کارگران شرکت نخکار با تجمع در وزارت کار و امور اجتماعی خواستار پرداخت حقوق و مزایای خود از سوی مدیریت شدند. یکی از کارگران ضمن اشاره به این که کارگران این واحد یک سال است که حقوق دریافت نکرده اند، گفت از آنجا که نمایندگان کارگران شرکت نخکار در شورای اسلامی کار نیز نتوانستند در جهت احقاق حقوق کارگران گام بردارند، طی نامه ای همه کارگران خواستار استعفای آنان شدند و تاکنون نیز شورای اسلامی در این واحد تشکیل نشده است. وی با اشاره به اینکه شرکت نخکار قریب به چهار ماه است که به حالت تعطیل درآمده است، گفت: مدیریت این واحد نیز به بهانه های واهی در طول یکسال گذشته مرتباً دستور عدم تولید را صادر نموده که این امر نیز به نوبه خود در به ورشکستگی کشاندن این واحد نقش بسزایی داشته است.» یکی دیگر از کارگران گفت: «۹۷ درصد کارگران نخکار به لحاظ معیشتی با دشواری های فراوانی روبرو هستند و هیچ جمعی نیز خود را ملزم به حل مشکلات کارگران نخکار نمی داند. حتی پاداش وعیدی مربوط به سال گذشته نیز به کارگران پرداخت نشده است. این کارگران از ساعت حدوداً ۱۱ صبح تا ۴/۲۰ دیروز در محل وزارت کار حضور داشتند.» همین روزنامه، سه شنبه ۲۷ بهمن، طی خبری گزارش داد: «کارگران کارخانه نازپوش بندرانزلی به دلیل عدم دریافت حقوق و مزایای ۱۴ ماهه گذشته، از مسئولان خواستار رسیدگی به این مشکلات شدند.» این کارگران اظهار داشتند: روزیکشنبه در محل این کارخانه با مدیریت کل کار و امور اجتماعی استان گیلان جلسه داشتند، ولی نتیجه ثی در بر نداشت. جمعی از کارگران این واحد با ارسال نامه ثی به خبرگزاری جمهوری اسلامی بندرانزلی خواستار رسیدگی به وضعیت این واحد تولیدی و پرداخت حقوق معوقه خود شدند. مسئول اداری کارخانه نازپوش انزلی گفت: این کارخانه ۱۸۵ کارگر دارد که ۶۵ درصد آنها را زنان تشکیل می دهند. وی گفت: «این کارگران از دی ماه سال گذشته تاکنون هیچگونه حقوق و مزایایی اعم از عیدی و پاداش دریافت نکرده اند.» وی سپس اظهار داشت: «تاکنون مسئولان به وضع این کارگران رسیدگی نکرده اند و این کارخانه از سال گذشته تاکنون هیچگونه تولیدی نداشته است.» یکی از کارگران این کارخانه گفت: ۵۰ درصد مالکیت این کارخانه به بخش خصوصی، ۳۵ درصد به کره جنوبی و ۱۵ درصد به سازمان صنایع تعلق دارد. وی افزود: کارگران در اسفندماه گذشته چندین بار اعتراض کردند و در جریان آن اقدام به بستن پل اصلی غازیان و انزلی کردند. در جریان این اعتراض کارگران دستگیر و زندانی شدند، ولی به مشکل آنان رسیدگی نشده است. به گفته وی اکنون تحمل کارگران این واحد تولیدی به سر رسیده است و از مسئولان می خواهند که به مشکلاتشان رسیدگی کنند. یکی دیگر از کارگران گفت: «از سال ۷۲ این واحد تولیدی مشکل دارد و از آن تاریخ تاکنون در چهار مرحله به بخش خصوصی واگذار شده است.» وی افزود: «مدیر و سهامداران جدید این شرکت مدت یکسال است که به این شرکت نیامده و کارگران آنها رانمی شناسند.» وی گفت: «این افراد اعلام ورشکستگی کرده و بدون اینکه برای کارگران حق و حقوقی قایل شوند از مزایای ورشکستگی استفاده می کنند و با امتیازهای این کارخانه زمین دریافت داشته و واحد دیگری احداث کرده اند.» روزنامه کارواگر نامه ثی از یک کارگر به نمایندگی از ۲۰۰ نفر از کارگران اسکله بندرعباس چاپ کرده که می نویسند: «من و امثال من که حدوداً ۲۰۰ نفر هستیم و با این همه سابقه کار هنوز هم روزمزدی کار می کنیم، زیر نظر هفت پیمانکاریم که به هیچ وجه حق و حقوق کارگران رعایت نمی کنند. این آقایان نه قانون را قبول دارند و نه حرف مسئولان کارگری و اداره کار را می خوانند و آنچه که دلشان می خواهند، انجام می دهند. ماهه اصطلاح کارگریم، اما از حق و حقوق کارگری محرومیم، نه بیمه هستیم و نه بن به ماتعلق می گیرد، به پیمانکار خود می گویم، جواب می دهد، هر کجا که می خواهید بروید، همین است و بس. به اداره کل کار همزگان شکایت می کنیم، می گویند: ما بازرس فرستاده ایم، اما آقایان پیمانکار زیر بار نمیروند و زمانی که از همه جا قطع امید کردیم، انجمن صنفی تشکیل دادیم تا بلکه حق خود را بگیریم، اما چه فایده که بازم پیمانکاران زیر بار نمی روند و می گویند: حرف، حرف ماست. برآستی تکلیف من و صدها کارگری که صبح تا شب در سخت ترین شرایط بروی اسکله کار می کنیم، چیست؟ و یک پیمانکار تاجه اندازه حق دارد که قانون را زیر پا بگذارد و حق و حقوق قانونی کارگران را نادیده بگیرد. ماتاکی باید جز بکشیم و از حق و حقوق خویش محروم باشیم. شکایت خود را نزد کدام یک از مسئولان ببریم. ما نیز انسانیم و حق و حقوقی داریم، ما هم حق داریم که پس از سالها سال کار و تلاش از مزایایی بهره مند شویم که دیگر کارگران بهره مند هستند و یا خواهند شد.»

کوتاه سخن اینکه، همه گزارشات حاکی از شرایط فاجعه آمیز زندگی کارگران و زحمتکشان و خانواده های آنان است، و رژیم جمهوری اسلامی عامل اصلی و مسبب این وضع دردناک است. از این رو است که، لبه تیز مبارزه اعتراضی طبقه کارگر و دیگروزحمتکشان باید متوجه این رژیم پوسیده، ارتجاعی و ضد کارگری باشد.









**بررسی  
رویدادهای  
ایران**

**دیدگاه های جدید چه؟**

عباس عبدی، طی گفت و گوئی با روزنامه نشاط، در مورد دیدگاه های جدید چه اظهارداشت: «پس از دوم خرداد دوجبهه شکل گرفته است. یک جبهه در داخل وجود دارد که مخالف حاکمیت مردم است. نمونه خارجی اینها منافقین و سلطنت طلب هاستند و یک جبهه نیز کسانی هستند که از حاکمیت مردم دفاع می کنند. یعنی کسانی که ممکن است حتی آقای خاتمی و حکومت را قبول نداشته باشند ولی به خاطر رای مردمی آقای خاتمی، با وضعیت فعلی مخالفتی نمی کنند و به آن احترام می گذارند.» عبدی، همچنین در مورد رابطه با آمریکا گفت: «در گذشته نفرت شدیدی علیه آمریکا وجود داشت و هر ساله ای را تقصیر آمریکا می گذاشتند و درست هم بود، اما اکنون که ۲۰ سال از انقلاب می گذرد شما دیگر نفوذ غرب را در کشور نمی بینید. دیگر جوانان امروزی چیزی از آمریکا در ذهنشان نیست و همه می گویند اکنون خودمان هستیم و اگر چند تا قتل اتفاق می افتد کسی تقصیر غرب نمی گذارد.» وی اضافه کرد: «سیاست اقتصادی چه در اوایل انقلاب بسیار عدالت طلبانه بود، اما اکنون از این سیاست دفاع نمی کند، چرا که می داند گسترش دولت باعث ضعیف شدن نمادهای مدنی و ایجاد مشکل برای نمادهای دمکراتیک می شود.» عبدی در جواب این سوال که به نظر می رسد زاویه چه نسبت به مبارزه با امپریالیسم تغییر کرده است، گفت: «اصل مبارزه هم تغییر کرده است.»

**هدیه به رسم یاج سبیل**

روزنامه جمهوری اسلامی، در مقاله خود، در مورد اهدای جوایزی به نویسندگان مترقی نوشت: «وزارت ارشاد اسلامی در یک اقدام تامل برانگیز و قطعاً برنامه ریزی شده، به عده ای از معاندین و کسانی که خود و اثرشان سختی با انقلاب نداشته و ندارند، بعنوان برگزیدگان بیست سال ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هدایایی به رسم یاج سبیل تقدیم کرده است. اما برای آنکه احیاناً اعتراضی متوجه اصل موضوع نباشد، به چند نفر از عناصر انقلابی، نیمه انقلابی و احیاناً

ادامه در صفحه بعد

**گزیده ها**

«جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای پایان دادن به استبداد، و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می کند؛ خواهان جدایی کامل دین از حکومت است، و تحقق برنامه های زیر را ضروری می داند: الف: پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه»، همچون نهادی از برای اعمال اراده یک فرد برجسته که تبلور آشکار و صریح دیکتاتوری فردی است، و استقرار دموکراسی؛ ب- استقرار یک حکومت ائتلاف ملی، با هدف رفع محرومیت شدید در جامعه، و تدوین برنامه های اقتصادی برای تحقق عدالت اجتماعی، و تأمین استقلال و حاکمیت ملی؛ پ- به رسمیت شناختن حقوق کلیه احزاب، سازمان ها، و گروه های سیاسی برای فعالیت آزادانه سیاسی؛ ت- به رسمیت شناختن حقوق کلیه اتحادیه ها، سندیکاها و تشکل های کارگران و زحمتکشان؛ ث- آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و پایان دادن به شکنجه و پیگرد دگراندیشان؛ ج- لغو سانسور و محدودیت از کلیه روزنامه ها، مجلات و نشریات؛ چ- انحلال فوری ارگان های سرکوبگر، از جمله وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، کمیته ها و دادگاه های انقلاب؛»

**از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره**

**ضمیمه**



**ضمیمه ۵۵۴، دوره هشتم**  
سال پانزدهم، ۱۷ فروردین ۱۳۷۸

**«زندان جسم افراد را به حبس می کشد  
نه اندیشه آنها را»**

ما با این نظر دکتر کدیور موافقیم که دستگیری و زندانی کردن او چیزی جز نقیشت عقاید و محاکمه اندیشه نیست. واقعیت این است که رژیم «ولایت فقیه» اکنون سال هاست که برای حفظ پایه های قدرت خود به ابزار سرکوب خشن و خونین اندیشه و آزادی متوسل شده است و در این راه هزاران انسان مبارز، آزاد اندیش و مدافع حقوق مردم در شکنجه گاه های رژیم که «فرزند خدمتکار و شایسته» اش، کسانی همچون لاجوری جنایتکار بوده و هستند، قربانی شده اند تا اندیشه های پوسیده و قرون وسطایی حفظ رژیم «ولایت فقیه» بتواند به حیات خود ادامه دهد.

دکتر کدیور قبلاً در پیام دیگری به خانواده اش که در روزنامه سلام، ۲۲ اسفندماه انتشار یافته، گفته بود: «زندان جسم افراد را به حبس می کشد نه اندیشه آنها را.» حزب ما نیز به هنگامی که مزدوران و گزمنگان رژیم جمهوری اسلامی در بهمن ماه ۱۳۶۱، در یک یورش وسیع و سازمان یافته، گروه کثیری از توده ای ها را دستگیر و روانه شکنجه گاه کردند، و سپس هنگامی که ری شهری جنایتکار، به فرمان سران رژیم، افسران شجاع و دلاور توده ای، قهرمانان جبهه های جنگ ایران و عراق، را به بیدادگاه های نظامی کشاند و احکام جابرانه اعدام و بیش از صد سال زندان را برای آنان صادر کرد، در پاسخ به ترهات «جاسوسی» و «اقدام بر ضد امنیت کشور و اسلام» نوشت: «رگبار مسلسل می تواند مبارزان را درو کند و پنجه شوم شکنجه گران می تواند انسان ها را نابود سازد، اما هیچ چیز موج حمله بر دژ اهریمنی حامیان کلان سرمایه داری، بزرگ مالکان و امپریالیسم را نمی تواند متوقف سازد. زیرا

«رگبار مسلسل می تواند مبارزان را درو کند و پنجه شوم شکنجه گران می تواند انسان ها را نابود سازد، اما هیچ چیز موج حمله بر دژ اهریمنی حامیان کلان سرمایه داری، بزرگ مالکان و امپریالیسم را نمی تواند متوقف سازد. زیرا اندیشه را نمی توان گشت...» (از کتاب «چرا ارتجاع و امپریالیسم از حزب توده ایران وحشت دارد»، انتشارات حزب توده ایران، آذرماه ۱۳۶۳).

بر اساس گزارش روزنامه همشهری، یکشنبه ۱۵ فروردین ماه، خانواده دکتر کدیور پس از هفته ها تلاش، بالاخره توانستند با وی ملاقات حضوری داشته باشند. بر اساس همین گزارش، دکتر کدیور در جریان این دیدار، ضمن تأکید بر مواضع گذشته خود، از جمله تأکید کرد که: «۱. دادگاه ویژه روحانیت، مطابق اصول متعدد قانون اساسی و ضوابط حقوقی، غیر قانونی است. ۲. این دادگاه بر طبق قانون اساسی صلاحیت رسیدگی به اتهامات سیاسی و مطبوعاتی را ندارد. ۳. اتهامات انتسابی به اینجانب شرعاً و عقلاً و قانوناً جرم نیست آنچه که صورت گرفته است نقیشت عقاید و محاکمه اندیشه است.»

بر اساس همین گزارش، پس از سخنان تهدید آمیز محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه، در نماز جمعه تهران در هفته های گذشته، فشار و تزییقات بر ضد زندانیان سیاسی تشدید گردیده است. دکتر کدیور در این زمینه از جمله گفت: «در روزهای آغازین سال جدید، تزییقات افزایش یافته است... ظاهراً بعد از سخنرانی برخی مقامات از جمله رئیس قوه قضائیه در خطبه های نماز جمعه تزییقات و محدودیت ها در رابطه با من تشدید شده است.»

ادامه در صفحه ۲

**با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری**

**برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!**



## ادامه رویدادهای ایران

غیرمعنادم هدایایی ارائه شده، تا آنکه سزوشی براصل مساله باشد. باینهمه، تمامی شواهد وقراین موجود نشان می دهد که هدف وانگیزه اصلی، همان باج سبیل به معنایین بوده که ازاین تریبون برای حساسیت زدایی ازجامعه نسبت به معاندین درقلمرو فرهنگی، خداکتر استفاده ممکن صورت پذیرد وزمینها برای برداشتن قدمهای بعدی وتطهیر کسانی فراهم شودکه دست اندرکار احیای یک تشکیلات مرده و بدنام دررژیم ستم شاهی هستند و برای این اقدام خود، حتی ازبوقهای تبلیغاتی وحمايت بیگانگان هم بی بهره نیستند.

### انسان و حکومت اسلامی

یزدی رئیس قوه قضائیه، درنمازجمعه تهران، درموردانسان وآزادی گفت: «انسان آزاد است اما آزادی او تمام بامسئولیت در برابر خداست. درحکومت اسلامی، انسان آزاد مسئول مدنظر است. اومی تواند هر عملی انجام دهد، ولی باید پاسخگو هم باشد.» وی این پاسخگویی وادردرجه اول دزبرابر خدا ذکر کرد وگفت: «انسان می تواند هرچه می تواند بگوید، بنویسد و به هر محلی برود، منتهی بامسئولیت، پاسخگو هم باید باشد، او در روز قیامت باید در برابر خدا پاسخگو باشد.» وی ادامه داد: «روز قیامت جای خود دارد اما در قانون اساسی این بند را برای نصیحت و موعظه نیاوردند که ای انسان مواظب باش فردای قیامت جلوت را می گیرند. این مسئولیت در برابر خلیفه خدا، حاکم خدایی ونظام الهی هم می تواند باشد. وقتی حکومت اسلامی سوال می کند و یادادگاهی تشکیل می شود، این سوال الهی است، قاضی از طرف ولی امر مسئول است، اوقاضی خداست. سوال وجواب حاکم از متهم در مبنای حکومت اسلامی ذکر شده است.»

### نویسندگان در بطن جامعه

منیروروانی پور، نویسنده معروف، در مصاحبه ئی اعلام داشت: «ابتکار تازه وزارت ارشاد در اعطای جایزه به نویسندگان دگراندیش برای داستان های بیست سال گذشته آنها با بیست سال تاخیر بالاخره انجام شد. زیر امرم ایران در انقلاب خواستار آزادی بیان واندیشه بودند.» روانی پور که یک کتاب او برنده دیلم افتخار شده، در پاسخ به سوالی در همین باره و با اشاره به قتل پوینده ومختاری گفت: «همه این خونهای باید روزی جواب می داد که بیست سال در تیرترواج داد و اوانحصار طلبی وتنگ نظری بیست سال نشان داد که هیچ دردی راداو نمی کند.» وی در پاسخ به این پرسش که آیا مراسم اعطای جوایز بهانه ای برای دلجویی از نویسندگان است ویالین که می شود امیدوار بود که این عمل پایانی باشد برای سال ها به حاشیه را اندن شمارزادی از نویسندگان وفعالان اصلی ادبیات کشور، گفته است این حرکت را پایان کار نمی داند. زیر امرم دردم خرداد سال ۷۶ نشان دادند میل دارند وضعیت عوض شود واین حرکت تنها خطای غیر قابل جبرانی را که از سوی عده ای انجام شد (اشاره به قتل دونویسنده) به شکلی ملایم ترمی کند و اثر خون آنها باعث شود در آینده دیگر چنین رفتاری با اهل قلم صورت نگیرد. روانی پور در پاسخ به این که آیا پذیرش نویسندگان به بطن جامعه ادامه پیدا خواهد کرد، گفت: «نویسندگان در بطن جامعه بوده اند. ولی حالا به شکل رسمی کاری انجام شده و آدم هادر طول زمان تغییر می کنند و زمان یک قاضی هوشیار و خردمند است.»

## ادامه جسم افراد را به حبس...

اندیشه را نمی توان گشت... (از کتاب «چرا ارتجاع و امپریالیسم از حزب توده ایران وحشت دارد»، انتشارات حزب توده ایران، آذرماه ۱۳۶۳).

موضوع اساسی در این بحث این نکته است که برای رژیم که اساس و پایه اش بر استبداد یک فرد، یعنی «ولایت مطلقه فقیه» استوار است، تحمل هرگونه آزادی اندیشه، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، اصلی پذیرفته شدنی نیست. خمینی، پیش از مرگش، آیت الله منتظری را به دلیل اعتراضش به کشتار وسیع زندانیان سیاسی در زندان ها و مخالفت با این امر، از مقام «نایب ولی فقیه» برکنار کرد و سران رژیم پس از آن، در پی شکست مفتضحانه سیاست «جنگ، جنگ تا پیروزی» و «فتح کربلا»، هزاران زندانی سیاسی، از جمله صدها توده ای را به سبب دفاع از آزادی، مخالفت با جنگ خانمان سوز، مخالفت با رژیم استبدادی «ولایت فقیه» و تن ندادن به خواست شکنجه گران برای «تواب» شدن کشتار کردند. و امروز نیز هنوز در بر همان پاشنه می گردد. پروانه و داریوش فروهر با دشته ترور می شوند، شریف، مختاری و پوینده خلق آوز می شوند، تا استبداد قرون وسطایی و رژیم ضد مردمی به حیات خود ادامه دهد. و یزدی، رئیس قوه قضائیه، برای اهل فکر و اندیشه، در نماز جمعه، قداره می کشد و آنان را همچون سلمان رشدی به مرگ تهدید می کند. در پی این تهدیدها فشار بر زندانیان سیاسی، از جمله بر کدیور تشدید می شود. و باز سوالی که سال ها است اذهان عموم را به خود مشغول کرده است تکرار می شود، با استبداد عنان گسیخته و خونریز چه باید کرد. چگونه در مملکتی که رئیس قوه قضائیه آن سر دسته آزادی کشان، چماق داران و شکنجه گران است و رهبر این رژیم قوی قتل دگراندیشان را به نام «اسلام» صادر می کند، می توان از آزادی سخن راند؟ و پاسخ همان پاسخ همیشگی است. چاره ای جز تشدید مبارزه، انسجام، وحدت و سازمان یافتگی جنبش مردمی نیست. دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی تنها، از راه مبارزه سازمان یافته توده های وسیع مردم ممکن است.

نکته اساسی دیگر اینکه امروز فریاد بر ضد آزادی گشتی نه تنها از حقوق مبارزان چپ، بلکه از حقوق نیروهای بلند شده است که در گذشته ئی زندانیان دور از آنان به عنوان نیروهای «خودی» اسم برده می شد، و آنان را به وحدت در مقابل «دشمنان خارجی» فرا می خواندند. این تغییر پدیده ئی اتفاقی نیست. استبداد برای حفظ خود چاره ئی جز تشدید و گسترش سرکوب و ترور ندارد و در همین روند سرکوب روز افزون است که هر روز بیش از پیش قشرهای گوناگونی به صف مخالفان می پیوندند و اینک ارتش نیرومند بیست میلیونی را تشکیل می دهند که در صورت سازمان یافتگی بیشتر خواهد توانست بساط استبداد «ولایت فقیه» را در ایران برچیند و راه را برای تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار بگشاید. در اشاره به چنین تحولاتی است که روزنامه سلام، ارگان مجمع روحانیون مبارز، چندی پیش خطاب به جناح مقابل اخطار داد که «نظام» را نمی توان با تشدید استبداد حفظ کرد و نوشت: «و عجیب این است که می کشند و وقتی اعتراض می شود می گویند حرف نزدیک که اختلاف می شود، حرف نزدیک که تضعیف می شود... به هربهانه نفرت انگیزی مردم و شخصیت ها را به ولایت پذیر و ولایت گریز تقسیم می کنند و بازم منادی وحدت می شوند، آخر یک کشور ۶۰ میلیونی را چگونه می شود بر محور یک گروه متحجر عقب افتاده، قدرت طلب، مغرور، خودخواه، خود محور، از دماغ فیل افتاده و تافته جدا بافته، متحد کرد؟! ... چقدر باید نادان باشند کسانی که گمان می کنند روزگار ما روزگار گردن زدن و زبان بردن است؟ وحدت و وفاق ملی تابع اصولی است که تا رعایت نشود، با فرمان محقق نخواهد شد.» (روزنامه سلام، چهارشنبه ۲۶ اسفندماه ۱۳۷۷)

توده ای ها مانند همیشه، در پیکار برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، در کنار توده های می رزمند و اکنون سال هاست که به عنوان یگانه سازمان سیاسی کشور، دمی از دادن شعار آزادی بدون قید و شرط برای همه زندانیان سیاسی ایران، قصور نکرده اند.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO:554  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

6 April 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
شماره حساب  
کد بانک  
بانک  
IRAN e. V.  
790020580  
10050000  
Berliner Sparkasse